

امام حسین علیه السلام الگوی رفتاری با خانواده

حجت الاسلام والمسلمین حسن شیرزاد کمانگر*

اشاره

خانواده عضو کوچکی از جامعه است که در تعالیم اسلامی از جایگاه مهمی در اثرگذاری رشد مادی و معنوی زندگی فردی و اجتماعی دارد؛ البته در صورتی که روابط درست عقلانی، منطقی و اخلاقی وجود داشته باشد.

هر انسانی بر اساس آداب، رسوم، اعتقادات و باورهای خودش، دارای روابط خاصی خواهد بود؛ ولی شخص مسلمان چون معتقد است اسلام دینی جامع، جاودانه و دارای برنامه‌ها برای زندگی است، باید روابط خودش را بر اساس آنها تنظیم کند؛ از این رو اسلام با وجود دارا بودن آموزه‌های ارزشمند برای سبک زندگی، از الگوهای سخنی می‌گوید که نگاه و همراهی با آنان می‌تواند مسیر پر پیچ و خم و فراز و فرود زندگی را با احساسی اطمینان‌آور و آرام‌تر پیمود و با الگوبرداری از این انسان‌های کامل رفتار مناسب در زندگی به‌ویژه با خانواده داشت و می‌تواند زندگی سعادت‌بخش و مورد رضایت خداوند را فراهم نماید.

امام حسین علیه السلام از انسان‌های کاملی است که قرآن از آنان به پاکان از بدی‌ها،^۱ نیکوکاران،^۲

* پژوهشگر پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن.

۱. احزاب: ۳۳؛ مراد از آیه تطهیر، پیامبر اکرم، فاطمه، علی و حسن و حسین علیهم السلام هستند (علی بن ابراهیم قمی، تفسیرالقمی، ج ۲، ص ۱۹۳؛ فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیرالکوفی، ج ۱، ص ۳۳۱ - ۳۴۲) و امامیه از آن به عصمت اهل بیت علیهم السلام استدلال نمودند (محمد بن حسن طوسی، التبیان، ج ۸، ص ۳۳۹).

۲. انسان: ۵؛ مراد از «الأبرار» درباره علی، فاطمه، حسن و حسین است (فضل بن حسن طبری، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۶۱۶؛ ملا محسن فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۲۶۱) و روزه نذری برای شفای حسن و حسین علیهم السلام و اطعام علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام نازل شد (محمود زمخشری، الکشاف، ج ۴، ص ۶۷۰؛ سلیمان بن احمد طبرانی، تفسیر القرآن العظیم، ج ۶، ص ۴۰۴).

اولی الامر،^۱ راستگویان^۲ تعبیر کرده است. ایشان رفتار و روابط گوناگونی با خانواده در فرازونشیب زندگی داشت که می‌تواند همانند آینه‌ای تمام‌نمای انسان کامل باشد و چون ماهی درخشان و ستاره‌ای فروزان مسیر صحیح را در رفتار با خانواده نشان دهد. این نوشتار درصدد بیان همین اهداف است.

آینهٔ حق‌نما، حسین است حسین جان و تن مصطفی، حسین است حسین
مصباح هدایت بشر تا محشر بی‌شبهه حسین است حسین

ضرورت الگو

الگو در لغت فارسی به معنای مدل، سرمشق، شخص یا چیزی است که معیار و نمونه برای دیگران یا دیگر چیزهاست.^۳ در لغت عربی از آن به «اسوه» و «قدوه»^۴ تعبیر شده است که هر دو واژه آن در قرآن به کار رفته است.^۵

داشتن الگو در همه زمینه‌ها، کمک بزرگی به ارتقای کمی و کیفی زندگی در استفاده بهینه از امکانات و فرصت‌ها می‌کند و کمترین دغدغه‌ها را برای رسیدن به اهداف عالی فراهم می‌نماید. از آنجاکه خاستگاه همه کردارهای آدمی، اندیشه یا گرایش اوست، در صورت سالم ماندن آن دو، در تأمین سعادت خود مشکلی ندارد. رهبران الهی به‌ویژه دودمان علوی هم مسئولیت هدایت اندیشه امت را بر عهده دارند و هم رهبری پویندگی جامعه را؛ از این رو پیامبر مهرورزی صلی الله علیه و آله فرمود: فرزندم حسین علیه السلام چراغ هدایت و کشتی نجات است؛ همچنین «إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ فِي السَّمَاءِ أَكْبَرُ مِنْهُ فِي الْأَرْضِ فَإِنَّهُ لِمَكْتُوبٌ عَنِ يَمِينِ عَرْشِ اللَّهِ مُصْبِحٌ هَدَى

۱. نساء: ۵۹ - ۸۳؛ آیه «أولى الأمر» درباره امیرمؤمنان علی علیه السلام (علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۴۲)، حسن و حسین است و خاص برای ما (فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیر فرات الکوفی، ص ۱۱۰ - ۱۰۸؛ محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۲۴۷) و ائمه آل محمد صلی الله علیه و آله نازل شد (محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۳۶).
۲. توبه: ۱۱۹؛ مراد از «صادقین» بر آل محمد، ائمه معصومین علیهم السلام و علی علیه السلام منطبق شده است (علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۰۷؛ عبدعلی بن جمعه حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۸۰ - ۲۸۲).
۳. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ج ۳، ص ۳۲۴۸.
۴. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۵، ص ۱۹۵، ج ۷، ص ۳۳۳.
۵. ممتحنه: ۴؛ احزاب: ۲۱.

و سفینه نجات^۱؛ یعنی هنگامی که به کاری نیاز دارید، آن حضرت شما را از دریای طوفنده رهایی می دهد و به ساحل امن می رساند و زمانی که محتاج اندیشه اید، او رهنمای باورهای شماست.^۲

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى أَحَبِّ أَهْلِ الْأَرْضِ إِلَى أَهْلِ السَّمَاءِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى الْحُسَيْنِ رِوَاةَ
الطَّبْرِيَانِ فِي الْوَلَايَةِ وَالْمَنَاقِبِ وَالسَّمْعَانِي؛^۳

کسی که دوست دارد به محبوب ترین اهل زمین در نزد آسمانیان نگاه کند، پس به حسین نظر نماید.

در زمین هم وقتی به رفتار آن حضرت نگاه می کنیم، او را شخصیتی می بینیم که در همه مواقع برای خانواده ارج می نهد و تا حد امکان در دفاع، صیانت و حقوق آنان کوتاهی نمی کند. در نقل ها آمده است امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام شب عاشورا خطاب به اصحاب خود درباره خانواده اش فرمود: «وَلَا أَهْلَ بَيْتِ أَبِي، وَلَا أُضِلُّ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي؛^۴ اهل بیتم را نیکوتر و بایوندتر از اهل بیت خود نمی دانم».

پس با الگوگیری از چراغ هدایت و محبوب ترین افراد نزد آسمان ها در جایگاه انسانی کامل و آراسته به اخلاق کریمانه، می توانیم بهترین رفتار را با خانواده داشته باشیم؛ به همین دلیل شاعر درباره حضرت گفته است:

فرمانده عشاق، دل آگاه حسین است بیراهه مرو، ساده ترین راه حسین است
از مردم گمراه جهان راه مجوید نزدیک ترین راه به الله حسین است

نمونه هایی از رفتار امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام با خانواده

در تعالیم اسلامی افزون بر آثار و فلسفه تشکیل خانواده از قبیل برخورداری از آرامش، الفت و محبت: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً

۱. محمد بن علی ابن بابویه، عیون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَام، ج ۱، ص ۵۹ - ۶۰.

۲. عبدالله جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ج ۸، ص ۲۲۷.

۳. محمد بن علی ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۷۳.

۴. محمد بن محمد شیخ مفید، ارشاد، ص ۲۳۱.

وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^۱، تأمین نیازهای جنسی، تولیدمثل و بقای نسل، راهکارهایی را برای تحقق آن از جمله انسان‌های کامل در جایگاه الگوی زندگی برای رسیدن آسان برای چنین اهدافی مطرح شده است؛ از این‌رو امام حسین علیه السلام به اعتبار جایگاه و مواجه‌شدن با فرازونشیب زندگی یعنی آسایش‌ها و سختی‌ها، شادی‌ها و اندوه‌ها، یکی از بهترین الگوها در رفتار با خانواده است. در ادامه برای نمونه به برخی از رفتارهای حضرت اشاره می‌شود.

۱. پرداخت حقوق

اهتمام به پرداخت حقوق خانواده از جمله همسر پیش از درخواست او، امری ارزشمند و در جلب اعتماد و محبت او بسیار اثرگذار خواهد بود؛ از جمله حقوق واجب همسر، پرداخت مهریه اوست که متأسفانه از سوی برخی مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد که حتی در جایگاه دین و طلبکاری او قبول ندارند و اگر شوهری بتواند در آغاز زندگی مشترک به او پرداخت کند، زمینه فراهم‌نمودن امکانات و رفاهیات زندگی از سوی همسر بر اساس سلیقه خودش به وجود خواهد آمد. امام حسین علیه السلام مهریه همسرش را زود هنگام می‌پرداخت و به حقوق طبیعی و مشروع آن احترام می‌گذاشت.

جابر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند عده‌ای بر امام حسین علیه السلام وارد شدند؛ ناگاه فرش‌های گران‌قیمت و پستی‌های فاخر و زیبا را در منزل آن حضرت مشاهده کردند. عرض کردند: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، ما در منزل شما وسایل و چیزهایی مشاهده می‌کنیم که ناخوشایند ماست [وجود این وسایل در منزل شما را مناسب نمی‌دانیم]. حضرت فرمود:

إِنَّا نَتَرَوُجَ النِّسَاءِ فَتَعْطِبُهُنَّ مُهُورَهُنَّ فَيَشْتَرِينَ بِهَا مَا شِئْنَا، لَيْسَ لَنَا فِيهِ شَيْءٌ؛^۲

ما بعد از ازدواج، مهریه زنان را پرداخت می‌کنیم و آنها هرچه دوست داشتند، برای خود خریداری می‌کنند. هیچ‌یک از وسایلی که مشاهده نمودید، از آن ما نیست.

۲. دعوت به صبر

صبر، ابزار و وسیله‌ای بسیار نقش‌آفرین در عرصه‌های گوناگون زندگی است که مورد اهتمام تعالیم اسلامی نیز قرار گرفته است و از آن به‌منزله سر انسان تعبیر شده است. امام صادق علیه السلام

۱. روم: ۲۱.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱۳، ص ۱۰۱.

فرمودند: «الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَثَلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ ذَهَبَ الْجَسَدُ وَ كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيمَانُ».^۱ از صبر باید استعانت جست: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ»^۲ از صبر و نماز یاری جوید؛ [و با استقامت و مهار هوس های درونی و توجه به پروردگار، نیرو بگیرید] و این کار، جز برای خاشعان، گران است». این گونه آیات و روایات نشان می دهد هیچ طاعت و اجتناب از معصیت و واکنش صحیح در برابر بلاها و رسیدن به اهداف تحقق نخواهد یافت مگر در سایه صبر.

امام حسین علیه السلام در جایگاه الگوی زندگی به موضوع صبر توجه بسیاری داشتند و در رفتار با خانواده به آن سفارش می کردند. امام سجاد علیه السلام فرمودند: در شبی که فردایش پدرم کشته شد، بیدار بودم و عمه ام زینب مرا پرستاری می کرد. پدرم در خیمه خود تنها بود و «جون» آزاد کرده ابی ذر غفاری نزد او شمشیرش را آماده و اصلاح می کرد و پدرم این ابیات را می خواند:

يَا ذَهْرُ أَفَّ لَكَ مِنْ خَلِيلٍ كَمْ لَكَ بِالْإِشْرَاقِ وَالْأَصِيلِ
مِنْ طَالِبٍ وَ صَاحِبِ قَتِيلٍ وَ الدَّهْرُ لَا يَقْنَعُ بِالْبَدِيلِ
وَ كُلُّ حَيٍّ سَالِكٍ سَبِيلٍ مَا أَقْرَبَ الْوَعْدُ إِلَى الرَّحِيلِ
وَ إِنَّمَا الْأَمْرُ إِلَى الْجَلِيلِ

ای روزگار، اف بر دوستی تو باد که از طلوع آفتاب تا غروب، چه بسیار دوستان را می کشی و در کشتن هم بدیل نمی پذیری. هر زنده ای این راه را می رود. چه نزدیک است گاه کوچ کردن و عاقبت کار به سوی پروردگار جلیل است.

دو - سه مرتبه امام حسین علیه السلام اشعار را تکرار کرد و من مقصودش را دانستم و گریه ام گرفت؛ اما جلوی گریه ام را گرفتم. ولی وقتی عمه ام زینب آن ابیات را شنید، بی اختیار دوید تا به پدرم رسید و گفت: وای از این مصیبت، کاش مرگ مرا در کام خود می گرفت و به زندگی من خاتمه داده بود. امروز مادرم فاطمه و پدرم علی و برادرم حسن از دنیا رفتند؛ ای جانشین گذشتگان من و ای پناه و یاور بازماندگان من.

امام فرمود: «يَا أَحْيَيْتَهُ لَا يُذْهِبَنَّ حِلْمَكَ الشَّيْطَانُ؛ ای خواهرک مهربان من، صبرت را شیطان

۱. همان (ط - دار الحدیث)، ج ۳، ص ۲۲۶.

۲. بقره: ۴۵.

نبرد) و اَشْكُ در چشمانش حلقه زد. عمه‌ام گفت: «يا وَبَلَّتَاهُ! أَفْتَعْتَصَبُ نَفْسَكَ اغْتِصَابًا؟ فَذَاكَ أَقْرَحُ لِقَلْبِي وَ أَشْدُّ عَلَى نَفْسِي؛ ای وای بر من، پس تو را به ستم می‌گیرند؟ و این بیشتر دل مرا جریحه‌دار و آزرده می‌کند و تحملش بر جان من دشوارتر است». آن‌گاه چنان سیلی بر چهره خود زد و گریبان چاک نمود که بیهوش بر روی زمین بیفتاد. حضرت امام حسین علیه السلام برخاست، آب بر روی او پاشید تا به هوش آمد و به او گفت:

يا اِحْتَاةَ اَتَّقِي اللهَ وَ تَعَزَّى بِعِزِّ اللهِ! وَ اعْلَمِي اَنَّ اَهْلَ الْاَرْضِ يَمُوتُونَ، وَ اَنَّ اَهْلَ السَّمَاءِ لَا يَبْقُونَ؛ وَ اَنَّ كُلَّ شَيْءٍ هَالِكٌ اِلَّا وَجْهَ اللهِ الَّذِي خَلَقَ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِهِ؛ وَ يَبْعَثُ الْخَلْقَ وَ يُعَوِّدُونَ وَ هُوَ فَزْدٌ وَ حُدَّةٌ جَدِي خَيْرٌ مِنِّي، اَبِي خَيْرٌ مِنِّي؛ وَ اُمِّي خَيْرٌ مِنِّي، وَ اَخِي خَيْرٌ مِنِّي وَ لِكُلِّ مُسْلِمٍ بِرَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اَسْوَةٌ؛^۱

ای خواهر من، تقوای الهی را پیشه گیر و به شکیبایی از جانب خداوند، خود را تسلی بده. و بدان که اهل زمین می‌میرند و اهل آسمان باقی نمی‌مانند و هر چیزی فانی گردد مگر وجه خدا؛ آن خدایی که مخلوقات را به قدرت خود آفرید و آنها را بر می‌انگیزاند و باز می‌گرداند؛ درحالی که خودش فرد و تنه‌است. جد من بهتر از من بود؛ پدرم بهتر از من بود؛ مادرم بهتر از من بود؛ برادرم بهتر از من بود. و من و هر مسلمانی باید به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تأسی جوییم.

۳. بیان واقعیت‌ها به خانواده

کسی که در جایگاه پدر، مدیریت خانواده را بر عهده دارد، در مواجهه با سختی‌ها و مشکلات باید خانواده را در جریان قرار دهد و آنان را آماده برای تحمل و تدبیر مشکلات کند. امام حسین علیه السلام در آخرین ساعت‌های عمر مبارک خویش، دیدارهایی با خانواده خود داشت و خطاب به زنان اهل بیت علیهم السلام فرمود: «ای سکینه، ای فاطمه، ای زینب، ای ام‌کلثوم علیکن منی السلام». دختر گرامی‌اش سکینه عرض کرد: «يا اَبَةُ اسْتَسَلَمْتَ لِلْمَوْتِ؟؛ ای پدر، آیا تن به مرگ داده‌ای؟» فرمود: «چگونه تن به مرگ ندهد کسی که یارویاوری ندارد؟ عرض کرد: ما را به حرم جدمان بازگردان. حضرت در پاسخ این مثل را آورد: «هيهات لَوْ تُرِكَ الْقَطَا لَنَامَ؛ اگر صیاد از مرغ قطا دست برمی‌داشت، آن پرنده در آشیانه خود آسوده می‌خوابید»؛ کنایه از اینکه لشکر دشمن دست از من بر نمی‌دارند و نمی‌گذارند شما را به جایی ببرم. زن‌ها با صدای بلند به گریه افتادند؛

۱. محمد بن محمد شیخ مفید، الارشاد، ص ۲۳۲؛ شیخ عباس قمی، در کربلا چه گذشت، ص ۲۸۹.

حضرت خطاب به ام‌کلثوم فرمود: «اوصیک یا اخیه بنفسک خیرا وانی بارز الی هولاء؛ ای خواهرم تو را به خوبی‌ها [رفتار خوب و متناسب با شأن و منزلت‌تان] سفارش می‌کنم و من رهسپار مبارزه با این دشمنان هستم».^۱

امام زین العابدین علیه السلام فرمود: پدرم مرا در برگرفت و به سینه خود چسبانید و در آن روز که کشته شد «والدماء تغلی؛ و خون‌ها در بدن مبارکش جوش می‌خورد»، فرمود: «ای پسر من، حفظ کن از من دعایی را که تعلیم فرمود آن را به من فاطمه علیها السلام، تعلیم فرمود به اورسول خدا صلی الله علیه و آله و تعلیم نمود به آن حضرت جبرئیل از برای حاجت و مهم و اندوه و بلاهای سخت که نازل می‌شود و امر عظیم و دشوار؛ سپس فرمود:

أَدْعُ بِحَقِّ يَسِّ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، وَبِحَقِّ طَهٍ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، يَا مَنْ يَقْدِرُ عَلٰی حَوَائِجِ السَّائِلِينَ، يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا فِي الضَّمِيرِ، يَا مُنْفَسَّ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ، يَا مُفْرَجَ عَنِ الْمَغْمُومِينَ، يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ، يَا رَازِقَ الطُّفْلِ الضَّعِيفِ، يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ، صَلَّى عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَفَعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا.^۲

این رفتار امام حسین علیه السلام می‌آموزد هنگام مواجهه با سختی‌ها و مشکلات تا جایی که امکان بازگرددن برای خانواده وجود دارد، باید گفته شود تا آنان به درستی از موقعیت پدر باخبر باشند تا بتوانند به درستی خود را آماده برنامه‌ریزی و تحمل حوادث ناگوار با حفظ عزت و کرامت نفس خود کنند و در راستای اهداف پدر گام بردارند.

۴. اظهار محبت

زن، کانون احساسات و عواطف است و مرد باید او را درک کند و روابط خودش را با او بر چنین حالات و صفاتی تنظیم نماید و از اظهار هرگونه محبت که عنصر مهمی در جذب همسر است، دریغ نرزد؛ همان‌طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أُحِبُّكَ لَا يَدْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا»^۳ اگر مرد به همسرش بگوید تو را دوست دارم، اثر این کلام محبت‌آمیز هیچ‌گاه از قلب او بیرون نمی‌رود».

۱. شیخ عباس ثمی، منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الآل، ج ۲، ص ۸۸۸ به نقل از ذی‌دهوات راوندی، ص ۵۴.

۲. همان، ص ۸۹۰.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱۱، ص ۳۱۶.

رباب یکی از همسران امام حسین علیه السلام و دارای دو فرزند به نام سکینه و عبدالله (علی اصغر) است که حضرت خطاب به او چنین اظهار محبت می‌کند:

لَعْمَرُكَ إِنِّي لَأُحِبُّ دَارَا تَحُلُّ بِهَا سَكِينَةُ وَ الرَّبَابُ
 أُحِبُّهُمَا وَ أَبْدُلُ جُلَّ حَالِي وَ لَيْسَ لِأَلْتَمِي فِيهَا عِتَابُ

به جانت سوگند، خانه‌ای را دوست دارم که سکینه و رباب در آن حضور داشته باشند. آنان را دوست دارم و بیشترین اموال خویش را برایشان هزینه می‌کنم و در این کار، جای سرزنش هیچ نکوهش‌گری وجود ندارد.^۱

رباب نیز علاقه وافری به امام حسین علیه السلام داشت. او در سفر کربلا همراه امام علیه السلام بود و پس از شهادت آن حضرت علیه السلام نیز وفاداری‌اش را به زبان شعر و نیز در عمل نشان داد. رباب در اشعار زیر خلوص و ارادت خود را به آن حضرت علیه السلام نشان می‌دهد:

إِنَّ الَّذِي كَانَ نُورًا يَسْتَضَاءُ بِهِ بِكَرْبَلَاءَ قَتِيلٌ غَيْرُ مَدْفُونٍ
 سَبَطُ النَّبِيِّ جَزَاكَ اللَّهُ صَالِحَةً عَنَّا وَجُتِبَتْ خُسْرَانَ الْمَوَازِينِ
 قَدْ كُنْتُ لِي جَبَلًا صَعْبًا أَلُوذُ بِهِ وَ كُنْتُ تَصَحَّبُنَا بِالرَّحِمِ وَالذِّينِ
 مَنْ لِيَتَامَى وَمَنْ لِلْسَّائِلِينَ وَمَنْ يَغْنَى وَيَأْوِي إِلَيْهِ كُلُّ مَسْكِينِ
 وَاللَّهِ لَا أَبْتَغِي صِهْرًا بِصِهْرِكُمْ حَتَّى أُغَيَّبَ بَيْنَ الرَّمْلِ وَالطَّيْنِ؛^۲

آن پرتوی که دیگران از درخشش آن بهره می‌بردند، در کربلا کشته شده و غیرمدفون رها شده است. ای فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله، خدا از طرف ما تو را پاداش نیکو داده و در وقت «میزان» تو را از هر زیبایی به دور دارد. تو آن‌چنان کوه محکمی بودی که من بدان پناه می‌بردم و تو با رحمت و از سر دینداری با ما همنشینی داشتی. دیگر چه کسی برای یتیمان و فقیران مانده است؟ و چه کسی است که مسکینان بدو پناه برند و او بی‌نیازشان سازد؟ به خدا قسم، دیگر سایه‌ای بعد از تو بر سرم نخواهم پذیرفت تا در میان خاک، پنهان شوم.

۱. شیخ محمد بن طاهر سماوی، سلحشوران طف، ترجمه ابصار العین، ص ۶۷؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۹۵؛ اسماعیل بن کثیر دمشقی، البدایه و النهایه، ج ۸، ص ۲۱۱. در برخی از نقل‌ها به جای «تحلُّ بها»، «تکون بها» آمده است.

۲. سیدمحسن امین عاملی، اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۴۴۹.

رشته‌ای بر گردنم افکنده دوست می‌کشد هر جا که خاطرخواه اوست
رشته بر گردن نه از بی‌مهری است رشته عشق است بر گردن نکوست

عبیدالله بن عتبّه می‌گوید نزد حسین بن علی علیه السلام بودم که علی بن حسین علیه السلام وارد شد. حسین علیه السلام (امام سجاد علیه السلام) او را صدا زد، در آغوش گرفت و به سینه چسبانید، میان دو چشمش را بوسید و سپس فرمود: «پدرم به فدایت باد، چقدر خوشبو و زیبایی»^۱.

از این رفتار امام حسین علیه السلام می‌توان اهمیت اظهار محبت را فهمید. زمانی که همسر و فرزندان، محبت را در خانه احساس کنند و فضای خانه را آکنده از مهر و محبت ببینند، اعتماد آنان به پدر خانه زیاد خواهد شد و دیگر از خانه‌های خود خارج نمی‌شوند تا به دامان غریبه‌ها و بیگانگان پناه ببرند.

۵. تشویق و تحذیر

پدر خانه به دلیل اشتغال و تلاش برای تأمین نیازهای منزل، نمی‌تواند به عملکردهای همسر و فرزندان بی‌توجه باشد؛ از این رو باید کارهای روزانه خود را طوری تنظیم کند که فرصتی در کنار خانواده‌بودن و با هم گفتگو داشتن را فراهم نماید؛ زیرا توجه به عملکرد همسر و فرزندان و داشتن واکنش مناسب، اثر ارزشمندی در تشویق به انجام خوبی‌ها و بازدارندگی از اعمال نادرست خواهد داشت. سزاوار نیست مرد خانه در برابر تلاش و زحمات همسر و فرزندان بی‌تفاوت باشد و گاه رفتار نسنجیده‌ای داشته باشد، به‌ویژه در این زمان که مادران بیشترین وقت خود را برای رسیدگی به فرزندان و درس و بحث آنان می‌گذارند و فرزندان هم با همکاری آنان احساس فضای مدرسه را در خانه خود می‌کنند. امام سجاد علیه السلام فرمود: من به مریضی شدیدی مبتلا شدم. پدرم به من فرمود: چه چیزی میل داری؟ گفتم: میل دارم از کسانی باشم که در مورد چیزی که خدا برایم اندیشیده، پیشنهادی نداشته باشم. (یعنی راضی و خشنودم به آنچه خدا برایم پیش آورد) پدرم فرمود: آفرین بر تو که شبیه ابراهیم خلیل علیه السلام هستی که وقتی جبرئیل به او گفت: آیا حاجتی داری [هنگامی که می‌خواستند او را در آتش بیندازند]؟ فرمود: پیشنهادی به پروردگارم نمی‌کنم؛ او بهترین وکیل است و مرا کفایت می‌کند.^۲

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۶۷، ح ۳۴.

۲. همان.

امام زین العابدین علیه السلام هنگام وفات خود، فرزندش امام محمدباقر علیه السلام را به سینه چسبانید و فرمود: ای پسر جان، من وصیت می‌کنم تو را به آنچه وصیت کرد به من پدرم هنگامی که وفاتش حاضر شد و فرمود: این وصیت را پدرم به من نموده است؛ فرمود: «إِيَّاكَ وَ ظَلَمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهَ»^۱ ای پسر جان من، بپرهیز از ظلم بر کسی که یاور و دادرسی ندارد مگر خدا».

کتاب‌نامه

قرآن

۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب، مصحح: هاشم رسولی و محمدحسین آشتیانی، قم: علامه، [بی تا].
۲. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، محققان: مجید حیدری فرد و احسان ابراهیمی، قم: عترت، ۱۳۹۱ ش.
۳. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، مصحح: هاشم رسولی، چ چهارم، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۴. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
۵. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چ سوم، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۶. سماوی، شیخ محمد بن طاهر، سلحشوران طف، مترجم: عباس جلالی، قم: زائر، ۱۳۸۱ ش.
۷. سیدرضی، محمد، نهج البلاغه، قم: مؤسسه نهج البلاغه، ۱۴۱۴ ق.
۸. شیخ صدوق، ابن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام، محقق/ مصحح: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۹. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، چ سوم، بیروت: مؤسسه اعلمی، ۱۳۹۹ ق.
۱۰. طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، اردن: دار الکتب الثقافی، ۲۰۰۸ م.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.

۱. شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۸۹۱؛ به نقل از: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۳۱.

۱۲. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مصحح: احمد حبیب عاملی، مقدمه نویسنده: محمد محسن آقابزرگ تهرانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۱۴. عاملی، سید محسن امین، اعیان الشیعه، بیروت: دار التعارف، ۱۴۰۳ ق.
۱۵. عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر، محقق: هاشم رسولی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ ش.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چ دوم، قم: هجرت، ۱۴۱۰ ق.
۱۷. فیض کاشانی، محمد محسن، تفسیر الصافی، محقق/ مصحح: حسین اعلمی، چ دوم، تهران: مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ ق.
۱۸. قمی، شیخ عباس، در کربلا چه گذشت/ نفس المهموم، مترجم: آیت الله کمره‌ای، چ چهاردهم، قم: مسجد جمکران، ۱۳۸۱ ش.
۱۹. _____، منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الآل، قم: دلیل ما، ۱۳۷۹ ش.
۲۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، محقق: طیب موسوی جزایری، چ سوم، قم: دار الکتب، ۱۳۶۳ ش.
۲۱. کاشانی، فتح الله بن شکرالله، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، چ ۱۳، تهران: کتابفروشی اسلامیه، [بی تا].
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق/ مصحح: دار الحدیث، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ ق.
۲۳. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مؤسسة الطبع و النشر، ۱۴۱۰ ق.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار (ط- بیروت)، محقق/ مصحح: جمعی از محققان، چ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.